



در هفته‌های اخیر نظامیان فرانسوی با انتشار ۳ نامه سرگشاده خطاب به دولت از قصد خود برای حل خودسرانه و مسلحانه مشکلات این کشور خبر داده‌اند

نامه‌های کودتا؟



سید مهدی آل‌ابی روزنامه‌نگار

فرانسه خود را در جهان به عنوان «مهد دموکراسی» معرفی کرده و معتقد است بسیاری از حرکت‌های آزادی‌خواهانه مشهور ما مانند استقلال آمریکا از انقلاب فرانسه و جریان روشننگری این کشور سرچشمه گرفته‌اند. این ادعای فرانسوی‌ها با وجود کشتار میلیون‌ها نفر در جهان توسط دولت‌های استعمارگر پاریس کم‌وبیش مورد تایید بسیاری از محافل دانشگاهی است. یکی از اصلی‌ترین دلایل پذیرش ادعاهای فرانسه، استحکام دولت در این کشور و تلاش برای دور ساختن «موانع» برقراری دموکراسی از مسیر قدرت بوده است.

علی‌رغم این تلاش‌ها اما فرانسه به دلیل وقوع برخی از اتفاقات مهم مانند شکل‌گیری موج‌های مهاجرتی به این کشور وارد دوره‌ای از تلاطمات شده است. این معضلات به شکلی دومیونوار درحال ساختن مشکلات جدید برای پاریس و پیچیده‌تر کردن اوضاع هستند. تجهیز تروریست‌ها در سوریه و عراق و همچنین ساقط کردن دولت لیبی باعث شد تا با بی‌ثباتی شکل گرفته در غرب آسیا و شمال آفریقا میلیون‌ها نفر از ساکنان این مناطق آواره شده و به مناطقی مانند اروپا مهاجرت کنند. ورود سیل مهاجران به کشورهای اروپایی سبب شد میان آنها و جوامع بومی اختلافاتی ظهور کرده و ساکنان کشورهای اروپایی وطن و فرهنگشان را در خطر ببینند. همین موضوع موجب شد گروه‌های راست افراطی با بهره‌گیری از افزایش تمایل مردم به ملی‌گرایی مجددا راهی برای ورود به عرصه سیاسی پیدا کنند. این گروه‌ها پس از راه انداختن جنگ جهانی دوم و نقش آفرینی در آن توسط جوامع اروپایی طرد شده بودند، اما سیل مهاجرت‌ها از غرب آسیا و شمال آفریقا با ساخت یک فرآیند پیچیده آنها را مجددا وارد صحنه سیاست و اجتماع کرد.

این مساله درحالی بود که برخی از رهبران کشورهای منطقه که توسط تروریست‌ها تحت فشار بودند به مقامات اروپایی این نکته را گوشزد کردند که آنها نیز در چند سال آینده با تبعات تروریسم‌وبی‌ثباتی ایجادشده در منطقه مواجه خواهند شد. کشورهای اروپایی در آن سال‌ها بدون توجه به این هشدارها به شکلی خستگی‌ناپذیر درحال برگزاری کنفرانس‌هایی جهت حمله به لیبی و حمایت از تروریست‌های سوری بودند. در سال ۲۰۱۵ آنها با نخستین تبعات بحران سوریه روبه‌رو شدند؛ هنگامی که میلیون‌ها تن با ورود به ترکیه خواهان سفر به اروپا شدند. بسیاری از مهاجران سوریه‌ای خود را به اروپا رساندند و کشورهای قاره سبز را با مشکلاتی روبه‌رو کردند، اما اتحادیه اروپا با پرداخت سالانه ۳/۵ میلیارد یورو به ترکیه این کشور را راضی کرد ۳ میلیون مهاجر سوریه‌ای را در خاک خود نگاه داشته و مانع رسیدن آنها به مرزهای اروپا شود. قاره سبز پس از این توافقات حس می‌کرد در حاشیه امنی قرار گرفته و می‌تواند با فرآیند حل دیگرمشکلات ایجادشده پرداخته و از شر راست‌گرایان افراطی نیز به مرور رها شود. با این حال اخباری نگران‌کننده از تحولات امنیتی اروپا به رسانه‌های جهان مخابره شدند. نیروهای امنیتی آلمان و فرانسه در این سال‌ها ده‌ها گروه افراطی تشکیل شده توسط نژادپرستان را در داخل ارتش و نیروهای نظامی شناسایی کردند. برخی از این گروه‌ها با طراحی تشکیلات نظامی اقدام به خارج کردن مهمات از پایگاه‌های نظامی و انبار آنها می‌کردند. برخی از این گروه‌ها نیز لیستی از سیاستمداران مدافع مهاجرت تهیه کرده و درحال طراحی نقشه برای ترور آنها بودند. بعضی از این گروه‌ها نیز طرح‌هایی پیچیده‌تر برای ایجاد آشوب در جامعه داشتند. یکی از این گروه‌ها در آلمان قصد داشت با ترور آلمانی‌های بومی و مهاجران آنها را با یکدیگر درگیر کرده و در سایه آن به تجهیز نیرو برای سرکوب شدیدتر مهاجران بپردازد. مقامات امنیتی آلمانی و فرانسوی پس از انتشار چنین خبرهایی به مردم



اطمینان می‌دادند که چنین طرح‌هایی خفنی شده‌اند، اما اتفاقات اخیر در فرانسه نشان می‌دهد راست‌گرایان افراطی بیشتر از آنچه تصور می‌شود، قدرت یافته‌اند. فرانسه از ۴ هفته گذشته شاهد انتشار سه نامه مهم از سوی نظامیان بوده است. این نامه‌ها از سوی ده‌ها ژنرال، صدها افسر و هزاران تن از سربازان مورد تایید قرار گرفته‌اند. نامه نخست نظامیان از سوی تعدادی از ژنرال‌های بازنشسته و افسران با تجربه نوشته شد و در نامه دوم نیز نیروهای نظامی جدید ارتش نقش داشتند. نامه سوم را نیز که اخیر در ابتدای هفته جاری منتشر شده است تعدادی از افسران

نامه اول

نخستین نامه هشدارآمیز نظامیان فرانسه خطاب به دولت این کشور در روز ۲۱ آوریل سال جاری (اول اردیبهشت ۱۴۰۰) در نشریه «Valeurs Actuelles» منتشر شد. این نشریه همان گونه که از معنای آن یعنی «ارزش‌های معاصر» برمی‌آید، یک نشریه دست‌راستی به شمار می‌رود. نکته مهم‌تر نامه هشدارآمیز نظامیان، زمان انتشار آن است. زمان این نامه دقیقاً منطبق است بر شصتمین سالگرد کودتای علیه شارل دوگل در سال ۱۹۶۱. در این سال تعدادی از نظامیان فرانسوی تلاش کردند مانع از موافقت دولت این کشور با استقلال الجزایر شوند. پاریس از سال ۱۹۵۴ درگیر جنگ‌های استقلال الجزایر بود ولی با وجود به شهادت رساندن ۱/۵ میلیون نفر از مردم مسلمان آن موفق به کنترل بحران نشده بود و به همین دلیل میشل دبره، نخست‌وزیر وقت فرانسه مذاکره‌ای را با جنبش آزادی‌بخش ملی ضداستعماری الجزایر (FLN) آغاز کرده بود. به همین دلیل تعدادی از ژنرال‌های ارتش که سابقه جنگ در الجزایر را داشتند، تلاش کردند در این کشور دست به کودتا بزنند و کنترل شهرهایی مانند الجزیره و وهران را با کمک نظامیان ملی‌گرای فرانسوی مستقر در این مناطق در دست بگیرند. این کودتا شکست خورد و سال بعد الجزایر موفق شد استقلال خود را اعلام کند. مناقشه اصلی بر سر این نامه نیز همین هم‌زمانی معنادار انتشار نامه با سالگرد این کودتاست؛ موضوعی که مدنظر منتشرکنندگان نامه نیز قرار داشته است. این نامه با دخالت تعدادی از ژنرال‌های ارتش نوشته شده و توسط افسران و نظامیان رده پایین‌تری نیز مورد تایید قرار گرفته است. این ژنرال‌ها و نظامیان همانند کودتاگران سال ۱۹۶۱ افراد هستند که سابقه جنگ در آفریقا و دیگر مناطق را در کارنامه خود دارند.

نامه نخست نظامیان فرانسوی یک نویسنده اصلی به نام «سروان ژان پیرفایر» دارد که خود را افسر پیشین نیروی زمینی و ژاندارمری معرفی کرده است. این نامه توسط ۲۲ ژنرال ذخیره ارتش، حدود صد افسر ارشد و بیش از هزار نظامی امضا شده است. برخی از این نظامیان به‌خصوص افراد بلندپایه‌تر در نگارش نامه نیز نقش داشته‌اند اما بسیاری دیگر تنها با امضای خود محتوای نامه را تایید کرده‌اند. تعداد امضاکنندگان اولیه این نامه ۱۵۰۰ تن بوده ولی در روزهای بعد از انتشار تعداد حامیان آن به سرعت از ۱۰ هزار تن گذشته است. انتشار در سالگرد یک کودتای ملی‌گرایانه و نژادپرستانه و همچنین امضای تعداد زیادی از نظامیان عالی‌رتبه حاشیه‌هایی بر متن نامه هستند که از نظر سنگینی بر متن تاحدی غلبه دارند. حواشی این نامه بیانگر نوعی محتوا و متبادرکننده معنا به ذهن هستند اما با این حال متن نامه نیز دارای هشدارهایی

قابل توجه است. در این نامه نظامیان فرانسوی از احتمال وقوع جنگ داخلی و تلاش برای تجزیه کشورشان صحبت کرده و خواستار هویشاری مقامات دولت و پارلمان شده‌اند. این افراد به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و نمایندگان پارلمان درباره خطرات مرگبار دو معضل «اسلام‌گرایی» و «لشکر بانلو» هشدار داده‌اند. منظور آنها از اسلام‌گرایی افراطی گروه‌های تروریستی منتسب به مسلمانان مانند داعش است که اقداماتی تروریستی در خاک اروپا طی سالیان اخیر انجام داده‌اند. منظور از لشکر بانلو نیز مهاجران فقیری هستند که در مناطق حومه‌ای شهرهای بزرگ در محلات فقیر سکونت دارند.

نظامیان فرانسوی در نامه نخست خود به مسئولان فرانسوی همچنین از ایجاد «نوعی ضدیت با نژادپرستی» صحبت کرده‌اند که باعث شکاف در جامعه شده و جنگی نژادی علیه تاریخ و ارزش‌های فرانسوی را آغاز کرده است. منظور این افراد تبدیل شدن شعارهای ضدنژادپرستانه به پوششی برای حمله به مسائل ارزشمند تاریخ فرانسه مانند مجسمه‌های تاریخی این کشور است. به‌عنوان مثال در اعتراضات ضدنژادپرستی افراد حاضر در اعتراضات اغلب سعی می‌کنند نمادهای نژادپرستی را در شعارها و اقدامات خود هدف قرار دهند. این مساله موضوعی فرآیند در اعتراضات ضدنژادپرستی است. در سال گذشته میلادی، هنگامی که بیش از ۴۰ ایالت آمریکا درگیر اعتراضات ضدنژادپرستی بودند، معترضان در خیابان ده‌ها مجسمه از سرداران نظامی ائتلاف جنوب در جنگ‌های داخلی آمریکا را به‌عنوان نمادهایی از نژادپرستی به آتش کشیدند. نظامیان فرانسوی در نامه خود این گونه حرکت‌ها را که در فرانسه نیز تکرار شده، یکی از دلایل تضعیف ارزش‌های فرانسوی توصیف کرده و اقدامات مخالفان نژادپرستی را جنگ نژادی علیه فرانسویان دانسته‌اند.

نویسندگان این افراد را «عوامل جناحی گری افراطی» نام نهاده و آنها را مسئول تفرقه در جامعه فرانسه معرفی کرده‌اند. این افراد گروه‌های سیاسی چپ‌گرای فرانسوی را که حامی مهاجران و خارجی‌ها هستند، با برچسب طعنه‌آمیز «چپ اسلام‌گرا» خطاب می‌کنند. امضاکنندگان نامه در بخشی از نامه نوشته‌اند: «اسلام‌گرایی و وارددسته‌های حومه‌نشین کم‌کم گوشه‌هایی از سرزمین ما را از حیطه قوانین کشور خارج کرده‌اند. این گروه معتقدند مسلمانان در برخی مناطق کنترل کشور را در دست گرفته‌اند و طبق قوانین موردنظر خود در این نواحی عمل می‌کنند. ژنرال‌ها و افسران نظامی فرانسوی در بخش‌های مهمی از نامه خود از



ژنرال‌های فرانسوی آندره زلر، ادموند ژوهاد، راتول سالان و موريس چاله طی کودتای ژنرال‌ها، ۲۳ آوریل ۱۹۶۱ شهر الجزیره

دولتمردان خواستار درپیش گرفتن سیاست‌هایی قاطع برای برخورد با مشکلات شده و اعلام کرده‌اند: «درغیر این صورت، سهل‌انگاری در تمامی جامعه گسترش خواهد یافت و درنهایت به انفجار و مداخله رفقای فعال (غیربازنشسته) ما خواهد انجامید که در ماموریتی خطیر، به حمایت و دفاع از ارزش‌های تمدنی و هموطنان برخیزند». این جملات یکی از برجسته‌ترین موضع‌گیری‌های موجود در نامه نخست نظامیان است که در آن تلویحا از قصد آنها و همقطاران‌شان برای مداخله خودسرانه در امور سیاسی و اجتماعی فرانسه خبر داده است. به همین دلیل بسیاری از اعضای دولت فرانسه همان بلافاصله مقابل نویسندگان موضع‌گیری کردند. ژان کاستکس، نخست‌وزیر فرانسه، این نامه را «اقدامی علیه تمام اصول جمهوریت و علیه شرافت و وظیفه‌شناسی نیروهای مسلح» توصیف کرده و پس از آن نیز ستاد نیروهای مسلح فرانسه اعلام کرد، افراد امضاکننده نامه به‌صورت اجباری بازنشسته شده و یا تنبیه انضباطی

نامه سوم

سومین نامه نظامیان فرانسوی در ابتدای هفته جاری منتشر شد و برخلاف دو نامه پیشین نویسندگان نامه نه به ارتش بلکه به پلیس تعلق داشتند. در نامه نخست ژنرال‌های بازنشسته و افسران با تجربه حضور داشتند و نامه دوم نیز توسط نظامیان جدیدا پیوسته به ارتش نوشته شد اما نامه سوم را تعدادی از افسران بازنشسته پلیس نوشته‌اند. این نامه خطاب به امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور و ژان کاستکس، نخست‌وزیر نوشته شده است. تعداد نویسندگان اولیه نامه ۹۳ نفر بوده اما تعداد امضاکنندگان آن به بیش از ۲۶ هزار تن رسیده است. در این نامه نیز غیرنظامیان حق امضا دارند. افسران بازنشسته پلیس در نامه خود از دولت خواسته‌اند برای پایان دادن به اوضاع متشنج در کشور تمام تلاش خود را انجام دهد. این افراد معتقدند گروه‌های خشنی که توسط اقلیت‌ها در فرانسه تشکیل شده‌اند، اقتدار دولت را تضعیف می‌کنند. افسران پلیس مدعی هستند در فرانسه مناطقی وجود دارد که قوانین کشور در آنها اجرایی نمی‌شود و در عمل «مناطق از دست‌رفته‌ای» به حساب می‌آیند. این نیروهای امنیتی در بخشی از نامه خود آورده‌اند: «پلیس و ژاندارم‌ها حافظ صلح و محافظ نهادهای ما هستند. آنها سنگ‌بنای کل آزادی‌های ما هستند. بدون امنیت، هیچ آزادی‌ای وجود ندارد. آنها سپس اقدامات تروریستی صورت گرفته در ماه‌های اخیر را نشان‌دهنده «نفی ارزش‌های جمهوری، آداب و رسوم و مدل جامعه فرانسه» توصیف کرده و به حادته هفته گذشته در اوگون اشاره کرده‌اند. هفته گذشته یک افسر پلیس در منطقه اوگون در جنوب فرانسه حین

نامه دوم

نامه دوم نظامیان فرانسوی تنها سه هفته پس از نامه نخست در تاریخ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت) منتشر شد. مجله چاپ‌کننده این نامه نیز همانند مورد نخست، مجله «والورز اکتوئل» بود. این دفعه نامه اما یک فرق به ظاهر کوچک با نامه نخست داشت. در این نامه غیرنظامیان نیز می‌توانستند محتوا را با امضای خود تایید کنند. تعداد امضاکنندگان این نامه در ابتدای انتشار تنها ۲ هزار تن بود اما تنها یک روز بعد به ۹۳ هزار تن رسیده و سپس از عدد ۱۳۰ هزار نفر را نیز عبور کرد. نویسندگان این نامه بسیاری از ادعاهای نامه نخست را مجددا تکرار کرده و مدعی هستند در سال‌های اخیر شاهد بروز خشونت در شهرها و روستاهای فرانسه بودند. نظامیانی که نامه دوم را نوشته‌اند می‌گویند در جنگ‌های ارتش فرانسه علیه اسلام‌گرایان افراطی جنگیده‌اند، اما از هنگامی که به کشورش بازگشته‌اند درحال مشاهده مدارای دولت پاریس با این گروه‌ها و دادن امتیاز به آنها در فرانسه هستند. این نظامیان در نامه خود سعی کرده‌اند اتهامات وارده به خود در ارتباط با تلاش برای کودتا را نیز به‌نوعی رد کنند. در نامه نخست بخش‌هایی از متن حاکی از آمادگی‌سازی زمینه برای مداخله نهادهای نظامی در سیاست فرانسه بود که همین موضوع باعث بازتاب وسیعی در رسانه‌های فرانسه و جهان شد. با این حال نویسندگان نامه دوم برای رد این اتهام در بخشی از نامه آورده‌اند: «خطر سقوط و فروپاشی در کشوری که بحران آن را فرا گرفته، قابل رویت است. این هرج‌ومرج و خشونت برخلاف آنچه تصور می‌شود به کودتای نظامی منجر